

# آموزش نماز

ترتیب: دکتر عبدالله بن أحمد بن علي الزید

ترجمه: إسحاق بن عبدالله دبیری العوضی

طبع و نشر

وزارت شؤون اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد

عربستان سعودی



آموزش نماز - تعليم الصلاة

# آموزش نماز

ترتيب: دكتور عبدالله بن أحمد بن علي الزيد

ترجمه: إسحاق بن عبدالله دبيري العوضي

ناشر

معاونت مطبوعات و پژوهش علمي

وزارت شؤون اسلامي و اوقاف و دعوت و ارشاد

١٤٢٥هـ

### فهرست مطالب

ص	عنوان	م
۳	فهرست مطالب	۱
۴	مقدمه نویسنده	۲
۷	پیشگفتار	۳
۲۱	فضل نماز	۴
۲۸	طهارت و پاکیزگی	۵
۳۱	نمازهای فرض	۶
۳۴	صفت و چگونگی نماز	۷
۴۸	نماز جمعه	۸
۵۱	نماز جماعت	۹
۵۴	نماز مسافر	۱۰
۵۸	اذکار و أوراد سنت	۱۱
۶۱	ستتهای راتبه	۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

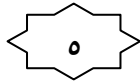
### مقدمه نویسنده

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على رسول الله

محمد بن عبدالله صلى الله عليه وآله وسلم وبعد:

چندین بار از من خواسته شد تا کتابی مختصر-  
و جامع در باره رکن دوم اسلام که نماز است  
بنویسم، کتابی در برگیرنده امور اساسی آن بوده  
و در عین حال قابلیت ترجمه بزبانهای دیگر نیز  
داشته باشد.

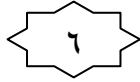
لذا پس از جمع کردن و بررسی کتاب هایی که  
در باره نماز نوشته شده، برایم واضح گردید که



هر کتابی در یکی از قسمت های نماز سخن می گوید.

بعضی از آنها در باره صفت و چگونگی ادای نماز نوشته شده، و اهمیت و فضل نماز را ترك کرده، و بعض دیگر مسائل اختلافی را که برای نوآموزان ذکر آن لازم نیست شرح داده است.

پس لازم دانستم مسائل مهمی که بر هر مسلمان واجب است آنرا انجام دهد، با ارائه دلایل شرعی از قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله جمع آوری کنم و مسائلی که در آن اختلاف وجود دارد، و نیز پژوهش های طولانی را ترك کنم، با



## آموزش نماز - تعليم الصلاة

مراعات به اختصار و شموليت موضوع، تا اينكه به فهم هر خواننده اى نزديك بوده و ممكن باشد به زبانهاى ديگر نيز ترجمه شود.

از خداوند مسئلت دارم كه نفع آنرا به همگى برساند و خداست شنوا و اجابت كننده دعاها.  
والله الموفق.

رياض ۱ / ۱ / ۱۴۱۴ هـ

د. عبدالله بن أحمد الزيد

برای ارتباط با مترجم می توانید به آدرس زیر تماس بگیرید:  
السعودية: الرياض - الرمز البريدي: (۱۱۷۵۷) ص. پ: (۱۵۰۱۰۳)  
[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

**پیشگفتار**

در صحیحین از رسول الله ﷺ ثابت است که فرمودند: «بني الإسلام علي خمس شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة وصوم رمضان وحج البيت لمن استطاع إليه سبيلاً».

[متفق عليه].

این حدیث شریف شامل ارکان پنجگانه اسلام است که عبارتند از:

رکن اول: شهادت دادن که خدائی بحق نیست مگر خدای یکتا، و محمد ﷺ رسول و فرستاده خداست.

و معنی شهادت «لا إله إلا الله»: یعنی معبود و خالق بحق نیست مگر خدای یکتا و یگانه.

پس «لا إله» تمامی آنچه غیر از خدا عبادت می شود

نفی می کند.

و «إِلَّا اللَّهُ» عبادت خدای یکتائی که هیچ شریکی ندارد ثابت می کند، خداوند می فرماید: ﴿شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (آل عمران ۱۸).

[خداوند گواهی می دهد که معبودی بحق جز او نیست، و نیز فرشتگان و صاحبان علم و دانشمندان به این امر گواهی می دهند، این در حالی است که خداوند قیام به عدالت در جهان هستی فرموده است، هیچ معبودی بحق جز او نیست او توانا و حکیم است].

پس مقتضای شهادت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» اعتراف کردن به

سه چیز است:



اول: اینکه توحید ألوهیت فقط برای خدای یکتاست.  
و آن عبارت است از: یکتا دانستن خدای تعالی به تمام عبادتها، و عدم اعتقاد چیزی از آن برای غیر از او.  
و این توحید ألوهیت چیزی است که باری تعالی مخلوقات را بخاطر آن آفریده، خداوند می فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾. (الذاریات ۵۶).  
[من جن و انس را نیافریده ام جز برای این که عبادتم کنند].  
و همین - الوهیت - است که خداوند پیامبران را بخاطر آن فرستاده، و کتابها را نازل فرموده است.  
خداوند می فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّغُوتَ﴾. (النحل ۳۶).

[ما در هر امتی رسولی فرستادیم که: خدای یکتا را  
پرسیتید و از طاغوت اجتناب کنید].

و شرك ضد توحيد است.

پس اگر معنای «توحيد»: تمام عبادتها را فقط از آن  
خدا دانستن است، پس «شرك»: انجام چیزی از عبادتها  
برای غیر خداست.

پس کسی که بدون اکراه چیزی از انواع عبادت اعم  
از نماز، یا روزه، یا نذر، یا قربانی، یا طلب مدد را برای  
غیر خدا، چه صاحب قبری، و چه غیر از آن انجام دهد  
به خدا شرك آورده و برای او شریکی قائل شده است.

و شرك بزرگترین گناهان است، تمامی اعمال و کردار  
را محو و نابود می کند، و کسیکه به شرك آلوده شود، مال

و جان او مباح است.

دوم: توحید ربوبیت: و عبارت است از: اعتقاد داشتن به اینکه خداوند خالق همه مخلوقات و روزی دهنده آنهاست، و اوست که به آنها زندگی می بخشد سپس آنها را می میراند.

و تدبیر کننده ای که برای او ملکیت آسمان ها و زمین است.

و اقرار نمودن به این نوع توحید جزو فطری است که خداوند بنده را بر آن بطور فطری و غریزی آفریده، و همه انسانها حتی مشرکین که پیامبر اسلام ﷺ در بین آنان مبعوث شده بود به این نوع توحید اقرار داشتند، و آنها انکار نمی کردند، خداوند می فرماید: ﴿قُلْ مَنْ

يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ  
 وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ  
 يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣١﴾ (یونس ۳۱).

[بگو چه شما را از آسمان و زمین روزی می دهد؟ و چه کسی است که مالک و خالق گوش و چشم و قدرت دهنده، این دو حس آدمی است؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده خارج می کند؟ و چه کسی است که امور این جهان را تدبیر می کند، و آنها در پاسخ خواهند گفت: خدا، به آنها بگو: آیا با این حال تقوا را پیشه نمی کنید؟].

و هیچ کس از انسان ها این توحید را انکار نمی کند بجز عده ای شاذ و نادر از بشر که ظاهراً آنرا انکار می کنند، اما

در باطن به آن اعتراف دارند، و این انکارشان فقط از روی عناد و گردن کشی است، خداوند می فرماید:

﴿ وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴾ (النمل ۱۴).

[معجزات را از روی ظلم و برتری جویی انکار کردند، در حالیکه در دل به آن یقین و اطمینان داشتند].  
سوم: توحید اَسْمَاء و صفات خداوند: که عبارت است از: ایمان داشتن به آنچه خداوند خود را به آن توصیف فرموده، یا به آنچه رسول الله ﷺ خداوند را به آن وصف فرموده است.

و ثابت کردن آن به صورتی که شایسته و لایق عظمت و کبریائی باری تعالی باشد، بدون بیان کیفیت چگونگی

آن، و بدون آوردن مثال برای آن، و بدون شبیه کردن به چیزی، و بدون تحریف و تغییر دادن نص و معنای آن، و بدون انکار اسم و صفتی از اسمها و صفاتهای باریتعالی، چنانکه می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾.

(الأعراف ۱۸۰).

[و برای خدا نام های نیک است، خدا را به آن ها

بخوانید].

و میفرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾.

(الشوری ۱۱).

[هیچ چیز همانند او نیست، و او شنوا و بیناست].

پس «لا إله إلا الله»: اعلان کردن و اقرار نمودن است

به این سه نوع توحید، و هر کسیکه آنرا بگوید بطوریکه

معنای آنرا بداند، و به مقتضا و ضروریات آن از قبیل

نفی شرك و اثبات یگانگی خداوند عمل کند، او مسلمان حقیقی است.

و کسی که آنرا بگوید و به معنی و ضروریات آن ظاهراً عمل کرده و در باطن آنرا انجام ندهد و به آن اعتقاد نداشته باشد، او منافق است، و کسیکه با زبان بگوید و کردار او مخالف مقتضا و ضروریات آن باشد، او کافر است، اگر چه بارها آنرا تکرار کند.

و معنای شهادت «محمد رسول الله»: ایمان و تصدیق به رسالت محمد است، و چیزی که محمد ﷺ آنرا از نزد خداوند آورده که این ایمان و تصدق بایستی با انجام دادن و اطاعت کردن از اوامر او، و دوری جستن از آنچه که از آن نهی فرموده همراه باشد، و اینکه تمامی

عبادهای انسان مطابق و موافق دستور و فرمایش رسول خدا ﷺ باشد، خداوند می فرماید: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾. (التوبة ۱۲۸).

[پیامبری از خودتان به سوی شما آمد! هر گونه ناراحتی و زیان و ضرری به شما برسد برای او سخت ناراحت کننده است، او سخت به هدایت شما علاقه مند است، او نسبت به مؤمنان رؤوف و رحیم است].

و میفرماید: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾. (النساء ۸۰).

[هر کس اطاعت پیامبر ﷺ کند، اطاعت خدا کرده است].

و میفرماید: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾.

(آل عمران ۱۳۲).



[و فرمان خدا و پیامبرش ﷺ را اطاعت کنید تا مشمول رحمت الهی شوید].

و می فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾. (الفتح ۲۹).

[محمد ﷺ فرستاده خداست، و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید اند، و در میان خود مهربانند].

رکن دوم و سوم: ادای نماز، و دادن زکات است خداوند می فرماید: ﴿وَمَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ﴾. (البینة ۵).

[دستوری به آنها داده نشده بود جز اینکه خدا را

بپرستند در حالیکه دین خود را برای او خالص کنند، و از شرك به توحید بازگردند، نماز را برپا دارند، و زکات را پردازند، و این است آیین مستقیم و پایدار].

و می فرماید: ﴿وَأَقِمْوْا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ (البقرة ۴۳).

[نماز را به پا بدارید و زکات را ادا کنید و نماز خود را با رکوع کنندگان رکوع نمایید].

و نماز همان چیزی است که ما در صدد و قصد بیان آن هستیم.

و زکات: آن چیزی است که از اموال اغنیاء و ثروتمندان گرفته می شود و بر فقیران و دیگر مستحقین آن توزیع می گردد.

و این اصل و قاعده بزرگ و عظیمی از اصول اسلام است، که بوسیله آن هماهنگی و هم بستگی در جامعه اسلامی بوجود می آید، و افراد آن به یگدیگر کمک و یاری می دهند، لذا می بینیم که برای فقیر در آنچه در دست غنی و ثروتمند است حقی داده شده، بدون اینکه غنی و ثروتمند بر فقیر منت بگذارد.

رکن چهارم: روزه ماه مبارک رمضان است. خداوند میفرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾. (البقرة ۱۸۳).  
 [ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما نوشته شده است آن گونه که بر امت هایی که قبل از شما بودند، نوشته شده بود، شاید پرهیزکار شوید].

رکن پنجم: حج و زیارت خانه خدا است برای کسیکه استطاعت آنرا داشته باشد.

خداوند می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾.

(آل عمران ۹۷).

[و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنهایی که توانائی رفتن به سوی آن دارند، و هرکس کفر بورزد (و حج را ترك کند به خود زیان رسانیده زیرا) خداوند از همه جهانیان بی نیاز است].

### فضل نماز

از آنچه گذشت معلوم می شود که نماز شأن و منزلت بزرگی در اسلام دارد، و رکن دوم از ارکان اسلام است که اسلام بنده صحیح و درست نمی شود مگر با ادای آن، و اینکه کسالت در آن از صفات منافقین است، و ترك آن کفر و گمراهی و خروج از دایره اسلام می باشد، چنانکه رسول گرامی ﷺ می فرماید: «بین الرجل وبين الشرك والكفر ترك الصلاة». [مسلم].

بین مرد و بین شرك آوردن و کافر شدن ترك کردن نماز است.

و همچنین ﷺ می فرماید: «العهد الذي بيننا وبينهم الصلاة فمن تركها فقد كفر». [ترمذی].

فرق بین ما مسلمانان و بین کافران و مشرکین نماز

است، پس کسی که آنرا ترك کند کافر می شود.

و نماز پایه و اساس اسلام است، و آن واسطه بین بنده و خداست، چنان که رسول الله ﷺ در حدیث صحیح می فرماید: «إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا صَلَّى يَنَاجِي رَبَّهُ».

[بخاری].

هر يك از شما وقتی نماز میخواند با خداوند مناجات می کند.

و آن علامت محبت و دوستی بنده با خدا و قدردانی او از نعمت هایش می باشد.

و از بزرگی شأن و منزلت نماز نزد باری تعالی این است که اولین فریضه ای است که بر پیامبر ﷺ فرض شده، و فرض شدن آن بر این امت در آسمان در شب اِسراء و معراج بوده است.

و وقتی از رسول خدا ﷺ سؤال شد: بهترین اعمال کدام است؟ فرمودند: «الصلاة علی وقتها». [متفق علیه].  
ادای نماز در اوقات آن.

و خداوند آنرا پاکیزگی از گناهان و کارهای ناشایست قرار داده است، رسول الله ﷺ می فرماید:  
«أرايتم لو أن نهراً بباب أحدكم يغتسل منه كل يوم خمس مرات هل يبقى من درنه شيء؟ قالوا: لا قال: كذلك الصلوات الخمس يمحو الله بهن الخطايا».  
[متفق علیه].

بینید اگر جوی آبی بر درب خانه یکی از شما جاری باشد و هر روز پنج بار در آن خودش را بشوید آیا از چرک و پلیدی بدن او چیزی باقی می ماند؟ صحابه رضی الله عنهم گفتند: خیر، آن حضرت ﷺ فرمود: همچنین نمازهای

پنجگانه که خدا بوسیله آن خطاها و گناهان را محو و نابود می کند.

و در حدیث آمده که آخرین وصیت رسول اکرم ﷺ برای امت و آخرین سفارش ایشان در وقت وداع گفتن این دنیا بسوی آخرت این بود که فرمودند: «در ادای نماز، و حقوق بردگان از خدا بترسید، یعنی: به آنان احسان و نیکی کنید». [أحمد و نسائی وابن ماجه].

و خداوند در قرآن امر نماز را بسیار بزرگ شمرده و نماز و اهل نماز را شرافت بخشیده است، و در مواضع بسیار زیادی از قرآن کریم آنرا یاد فرموده، و بطور خصوصی به آن سفارش نموده است، از آن جمله ارشاد خداوند چنین آمده است: ﴿حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ



وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ﴿۲۳۸﴾. (البقرة ۲۳۸).

[در انجام همه نمازها مخصوصاً نماز وسطی (نماز عصر)، مداومت کنید، و در حفظ آن کوشا باشید، و با خضوع و خشوع و توجه کامل، برای خدا بپا خیزید].  
و همچنین خداوند میفرماید: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّهُ﴾  
الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ﴿۴۵﴾. (العنکبوت ۴۵).  
[و نماز را برپا دار، زیرا نماز (انسان را) از زشتی ها و منکرات باز می دارد].

و باز خداوند میفرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾. (البقرة ۱۵۳).  
[ای کسانی که ایمان آورده اید از صبر و نماز کمک بگیرید، زیرا خداوند با صابران است].

و همچنین خداوند عز و جل میفرماید: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾ (النساء ۱۰۳).

[زیرا نماز وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است].  
و باری تعالی بر کسی که نماز را ضایع و پایمال کرده ادا نمی کند، عذابی دردناک واجب نموده چنان که میفرماید: ﴿خَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا﴾ (مریم ۵۹).

[و بعد از آنان فرزندان ناشایسته ای روی کار آمدند که نماز را ضایع کردند، و از شهوات پیروی نمودند که به زودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید].

پس بر هر مسلمان واجب است که بر نماز محافظت و پای بندی کند، و همچنان که باری تعالی آنرا فرض

فرموده و در اوقات خودش آنرا ادا کند، با نیت اینکه این عبادت به شکل درست اطاعت از خدا و رسول خداست، و بداند که در صورت تخلف به خشم و غضب دردناک و عقاب خداوندی گرفتار خواهد شد.

## طهارات و پاکیزگی

طهارت و پاکیزگی: پاکی بدن و لباس و جایگاه خواندن نماز را در بر می گیرد، و طهارت بدن به دو چیز حاصل می شود:

۱ - غسل: از جناب و حیض (عادت ماهانه) و نفاس (خونی که بعد از وضع حمل می آید) که با ریختن آب بر تمامی جسم و موی سر با نیت طهارت، حاصل می گردد.

۲ - وضوء: خداوند فرمودند: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾. (المائدة: ۶).

[ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که برای نماز

پا خاستید صورت و دست های خود را تا آرنج بشوئید و سرتان را مسح کنید، و پاهای تان را با دو کعب<sup>(۱)</sup> بشوئید].  
این آیه کریمه شامل اموری است که مرعات نمودن آن در وقت وضوء واجب است:

- ۱ - شستن صورت، که مضمضه و استنشاق نیز جزو صورت شمرده می شوند. یعنی شستشوی دهان و بینی بوسیله داخل کردن آب در آنها.
- ۲ - شستن دو دست تا آرنج.

---

(۱) (و فاصله میان معطوف به واو، به معطوف به فاء برای ترتیب است که اول رو، دیگر دو دست شسته شوند، دیگر مسح سر شود، دیگر پا شسته شود، و آوردن شستن پا بعد از مسح سر برای این است که در شستن پا اِسراف در ریختن آب نیاید، زیرا برای شستن رو و دو دست به کف آب گرفته می شود و اِسراف نمی آید، اما در شستن پا و ریختن آب بر آن مظنه اِسراف است).



### آموزش نماز - تعليم الصلاة

۳- مسح کردن تمامی سر که گوش ها نیز جزو آن است.

۴- شستن دو پا تا قوزك (شتالنگ ، بجلك).

و پاکیزگی لباس و جایگاه ادای نماز، این است که

آنها را از نجاست ها مانند ادرار و مدفوعات انسان و

مانند آن پاك نمود.

## نمازهای فرض

نمازهای فرض بر مسلمان در هر شبانه روز پنج وقت است که عبارتند از: نماز صبح که آنرا نماز فجر یا بامداد گویند، و نماز ظهر، و نماز عصر، و نماز مغرب، و نماز عشاء و یا خفتن.

#### ۱ - نماز صبح:

دو رکعت است و وقت آن از طلوع فجر صادق یعنی فجر دوم - و آن روشنی است که در آخر شب از جهت مشرق می آید - تا طلوع آفتاب.

#### ۲ - نماز ظهر:

چهار رکعت است و وقت آن از اول زوال (مایل شدن) آفتاب از وسط آسمان شروع می شود و تا هنگامی که سایه هر چیز علاوه از سایه اصلی آفتاب يك

برابر آن شود ادامه دارد<sup>(۱)</sup> .

### ۳- نماز عصر:

چهار رکعت است و وقت آن بعد از انتهای وقت نماز ظهر شروع می شود تا اینکه سایه هر چیز دو برابر آن شود (و وقت ضرورت) تا قبل از غروب آفتاب که رنگ آن زرد شود ادامه دارد.

### ۴- نماز مغرب:

سه رکعت است و وقت آن از غروب آفتاب شروع

---

(۱) و در نزد بعضی علماء و مذاهب اسلامی مانند مذهب احناف وقت ظهر تا زمانی ادامه پیدا می کند که سایه هر چیز علاوه از سایه اصلی دو برابر شود، اگر سایه اصلی جوان (۱.۵) متری در وقت زوال (هنگامی که آفتاب بالای سر ایستاده) (۲۰) سانتی متر بوده تا وقتی که سایه او سه متر و (۲۰) سانتی متر شود وقت نماز ظهر ادامه دارد. (مترجم).



شده و تا ناپدید شدن شفق سرخ ادامه دارد.

۵ - نماز عشاء:

چهار رکعت است و وقت آن بعد از انتهای وقت

مغرب تا یک سوم شب و یا نیمه اول شب ادامه پیدا

میکند.

### **توصیف و چگونگی نماز**

بعد از اتمام طهارت و پاکیزگی بدن و محل نماز با

صفتی که ذکر کردیم انجام گرفت، و مسلمان از دخول وقت نماز مطمئن شد بطرف قبله که خانه خدا در مکه است ایستاده و برای هر نمازی که میخواست بخواند اعم از فریضه و سنت و نافله در قلب خودش نیت می کند<sup>(۱)</sup> و سپس اعمال ذیل را انجام می دهد:

۱ - در حالیکه به سجده گاه خودش می نگرد تکبیر تحریمه «الله اکبر» می گوید.

۲ - در هنگام گفتن تکبیره تحریمه هر دو دست خود را در تا برابر دو شانه و یا مقابل گوش ها بالا می برد.

۳ - و سنت است که بعد از تکبیر تحریمه دعای

---

(۱) نیت در قلب است، زیرا از رسول اکرم ﷺ ثابت نشده که آنحضرت نیت را بر زبان آورده باشند، مگر نیت حج، و همچنین از صحابه و یاران و تابعین هم ثابت نشده، پس نیت کردن با زبان يك نوع بدعت بشمار می رود. (مترجم).

استفتاح نماز بخواند<sup>(۱)</sup> و بگوید: «سبحانک اللهم  
وبحمدک وتبارک اسمک وتعالی جدک ولا إله غیرک».

بار إلهای! ما تو را منزّه می دانیم، و تو را حمد و سپاس  
می گوئیم، و نام تو را برتر می دانیم و هیچ معبود بر  
حقی غیر از تو وجود ندارد.

و اگر بخواهد بجای دعای گذشته این دعاء را  
میخواند: «اللهم باعد بیني وبين خطایاي كما باعدت  
بین المشرق والمغرب، اللهم نقني من خطایاي كما  
ينقى الثوب الأبيض من الدنس، اللهم اغسلني من  
خطایاي بالماء والثلج والبرد».

خدایا! همچنانکه بین مشرق و مغرب فاصله ایجاد

---

(۱) دعای شروع کردن نماز «استفتاح»، دعایی است که بعد از تکبیر تحریمه و  
قبل از شروع به قرائت فاتحه در نماز خوانده می شود و حکم آن سنت است.

کردی، بین من و گناهانم فاصله ایجاد کن . پروردگارا!  
 همچنان که لباس سفید از چرک پاک می شود مرا از  
 گناهانم پاک گردان . خداوندا! مرا از گناهانم با آب و  
 یخ (برف) و تگرگ شستشو ده.

۴ - سپس می گوید: «أعوذ بالله من الشيطان

الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم».

پناه می برم به خدا از شر شیطان ملعون و نفرین

شده، بنام خداوند بخشاینده، مهربان.

سپس سوره فاتحه را قرائت می کند .

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

﴿٢﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٤﴾ إِلَهِكَ نَعْبُدُ

وإِلَهِكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾ صِرَاطَ

الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿۷۱﴾. (الفاتحة ۱-۷). و بعد از آن میگوید: «آمین».

[حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. خداوندی که بخشنده و بخشایشگر است. خداوندی که مالک روز جزاست. تنها تو را می پرستیم، و تنها از تو یاری می جوییم. ما را به راه راست هدایت فرما. مرا به راه کسانی که هدایت فرما که آنان را مشمول انواع نعمت های خود قرار دادی (نعمت هدایت، نعمت توفیق) نه راه گمراهان (نصارا) و نه راه خشم گرفته بر آنان (یهود)].

«آمین» دعای ما را بپذیر، و ما را به راه راست پایدار فرما.

۵ - سپس سوره ای از سوره های قرآن که آنرا حفظ دارد

قراءت میکند مانند: ﴿ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿۱﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿۲﴾

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿۳﴾ وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿۴﴾

[بگو خداوند یکتا و یگانه است (ذات منفردی است

که نظیر و سبیه برای او نیست). خداوندی است که همه

نیازمندان قصد او می کنند. (هرگز) نژاد، و زاده نشد. و

برای او هیچ گاه شبیه و مانندی نبوده است].

یا سوره: ﴿ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿۱﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ

يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿۲﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿۳﴾

[هنگامی که یاری خدا و پیروزی (نهایی) فرارسید.

و بینی مردم گروه گروه وارد دین خدا می شوند. پس

(به شکرانه این نعمت بزرگ و این پیروزی و نصرت الهی) پروردگارت را تسبیح و حمد کن، و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه پذیر است].

۶ - بعد از آن به رکوع رفته می گوید: «الله اکبر» و دو دست خود را بر زانوی خود می گذارد و می گوید: «سبحان ربي العظيم» (پاک است پروردگار بزرگ من). و سنت است که سه بار یا بیشتر آنرا تکرار کند.

۷ - سپس سر را از رکوع بلند کرده می گوید: «سمع الله لمن حمده».

(خدا می شنود - و می پذیرد - ستایش کسیکه او را ستایش نماید)، خواه امام باشد و یا منفرد (تنهاگذار). و بعد از راست شدن و آرام گرفتن از رکوع میگوید:

«ربنا ولك الحمد حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه ملء  
السموات وملء الأرض وملء ما بينهما وملء ما شئت  
من شيء بعد».

(پروردگارا! سپاس مر تو را، سپاس فراوان، پاکیزه  
و مبارك. خدایا! به پُری آسمان ها و زمین و فضاهاى بین  
آسمان و زمین، و پُری هر آن چیزی که خودت میخواهی  
و می دانی تو را سپاس می گویم).

اما اگر مقتدی باشد در این هنگام می گوید: «ربنا  
ولك الحمد...» تا آخر این دعاء.

٨ - سپس سجده کرده می گوید: «الله أكبر» و بر  
اعضای هفتگانه خود سجده می کند که عبارتند از:  
پیشانی با بینی، و کف هر دو دست، و هر دو زانو، و  
سر انگشتان دو پا، و می گوید: «سبحان ربي الأعلى».



پاك است پروردگار بزرگ من.

سه بار و يا بيشتر آنرا تكرر مي كند، علاوه بر آن هر چه دوست داشت مي تواند دعا كند.

٩ - سپس در حالي كه سر خود را از سجده بلند مي كند مي گويد: «الله اكبر» نگاه بر پاي چپ خود مي نشيند و پاي راستش را نصب مي كند و دست هاش را روي ران و زانويش مي گذارد و ميگويد: «رب اغفر لي وارحمي وعافني وارزقني واهدني واجبرني».

پروردگارا! از گناه و تقصيراتم درگذر، و به من رحم كن، و مرا عافيت ده، و مرا روزي عطا كن، و مرا هدايت فرما، «واجبرني»: آنچه بر انسان مي گذرد از نقص در بدن، مانند مريضي و امثال آن، و در دين، مانند

کوتاهی کردن در اوامر و دستورات، و افراط (زیاده روی) در محظورات که آنرا جبران فرماید.

۱۰ - سپس در حالیکه «الله اکبر» می گوید سجده دوم را بجا می آورد، آنچه در سجده اول انجام داده در سجده دوم نیز تکرارش می کند.

۱۱ - سپس «الله اکبر» گویان برای رکعت دوم بلند می شود، بدین ترتیب رکعت اول تمام می شود.

۱۲ - سپس سوره فاتحه و يك سوره (یا چند آیه دیگر) از قرآن می خواند و به رکوع می رود، از رکوع بلند می شود سپس عیناً مانند اول دو سجده می کند.

۱۳ - بعد از بلند شدن از سجده دوم همچنان که بین

دو سجده نشسته بود می نشیند و آن گاه «التحيات» را

به این ترتیب می خواند: «التحيات لله والصلوات والطيبات السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين، أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله».

یعنی (تمام تعظیم ها و نمازها و سایر پاکی ها فقط از آن خداست، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای پیامبر، و سلام بر ما باد و بر بندگان نیکوکار خدا، گواهی می دهم که جز خدای به حق معبودی نیست، و گواهی می دهم که محمد رسول و فرستاده اوست).

سپس اگر نماز دو رکعتی بود مانند نماز صبح و جمعه و هر دو عید، همچنان به نشستن خود ادامه می دهد و نمازش را با خواندن این درود کامل می کند: «اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على

إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد، وبارك على  
محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى  
آل إبراهيم إنك حميد مجيد».

(بار إلهها! درود و رحمت نازل فرما بر محمد و آل  
محمد، چنان که بر إبراهيم و آل إبراهيم رحمت  
فرستادی، تو ستایش شده و بزرگوار هستی).  
(پروردگارا! برکت نازل فرما بر محمد و آل محمد، چنان  
که بر إبراهيم و آل إبراهيم برکت نازل فرمودی، تو  
ستایش شده و بزرگواری). و از چهار چیز به خداوند  
پناه می برد: «اللهم إني أعوذ بك من عذاب جهنم،  
ومن عذاب القبر، ومن فتنة المحيا والممات، ومن فتنة  
المسيح الدجال». (خداوندا! من به تو پناه می برم از  
عذاب دوزخ، و عذاب قبر، و فتنة زندگی و برزخ، و

فتنه، مسیح دجال). سپس آنچه از خیر دنیا و آخرت بخواهد دعا می کند، چه اینکه در نماز فرض، و چه در نماز سنت و نفل باشد.

آنگاه بسوی راست سلام می دهد: «السلام علیکم ورحمة الله».

همچنان بسوی چپ: «السلام علیکم ورحمة الله». و اگر نماز سه رکعت باشد مانند نماز مغرب، و یا چهار رکعت باشد مانند نمازهای ظهر و عصر - و عشاء بعد از التحیات «الله اکبر» گویان بلند می شود و فقط سوره الفاتحه را تلاوت می کند.

سپس مانند دو رکعت اول رکوع و سجود می کند، در رکعت چهارم نیز به همان ترتیب، بجز اینکه در وقت

نشستن بطور متورك می نشیند، یعنی: پای چپ خود را زیر پای راست گذاشته و مقعد خود را بر زمین میگذارد و پای راست خود را نصب می کند.

آنگاه بعد از رکعت سوم در نماز مغرب، و بعد از رکعت چهارم در نمازهای ظهر و عصر - و عشاء تشهد اخیر را می خواند، و بر پیامبر ﷺ درود می فرستد، و اگر خواست دعا می کند. سپس به دو طرفش مثل اول سلام میدهد، بدین ترتیب تا اینجا نمازش تمام شده است.

## نماز جمعه

دین مبین اسلام اجتماع را دوست دارد و به اجتماع و

هماهنگی دعوت می کند و تفرقه را ناپسند می شمارد و از آن تنفر و دوری می جوید.

و هیچ فرصتی از فرصتهای آشنائی متقابل و انس گرفتن و دوستی و اجتماع و هماهنگی بین مسلمین دیده نشده مگر اینکه آنان را به آن دعوت، و امر نموده است.

و روز جمعه، روز عیدی برای مسلمانان است که در آن به ذکر و سپاس خدا مشغول میشوند، و در خانه های خدا اجتماع کرده از دنیا و گرفتاری های آن خود را دور می نمایند تا فریضه ای از فرائض خدا را انجام دهند، و به توجیهاات و سفارشات خطباء و ارشاد علماء در خطبه های جمعه که بمثابه، درسی از دروس هفته میباشد و امامان و خطبای جمعه مشاگل هفتگی جامعه را معالجه

می کنند گوش فرا دهند.

خدا میفرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۹﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۰﴾﴾

(الجمعة ۹-۱۰)

[ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته می شود به سوی ذکر خدا (خطبه و نماز) بشتابید و خرید و فروش را رها کنید، این برای شما بهتر است اگر می دانستید. و هنگامی که نماز پایان گرفت (شما آزادید) در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید، و خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید].



و نماز جمعه بر هر مرد مسلمان و بالغ و آزاد و مقیم واجب است.

رسول خدا ﷺ بر آن مواظبت کرده و کسانی که آنرا ترك می کنند شدیداً تهدید کرده است. چنانکه میفرماید:  
**«لینتهین أقوام عن ودعهم الجمعات أو لیختمن الله علی قلوبهم ثم لیكونن من الغافلین»**. [مسلم].

بخدا قسم که مردمی از ترك نماز جمعه باز می آیند، یا اینکه خداوند بر قلب های آنها مهر می زند و آنگاه آنان از غافلان و فراموش شدگان خواهند شد. و همچنین  
 ﷺ می فرماید: **«من ترك ثلاث جمع تهاوناً طبع الله علی قلبه»**. [احمد و دارمی و ابو داود و ترمذی و نسائی و حاکم].

کسی که سه نماز جمعه را از روی تهاون و کسالت ترك کند خداوند بر قلب او مهر می زند.

نماز جمعه بجز در مساجد صحیح نیست، آنجایی که مسلمانان در آن جمع می‌شوند و امام بر آنها خطبه می‌خواند و آنان را نصیحت و إرشاد می‌نماید.

اینرا هم باید توجه داشت که سخن گفتن در اثنای خواندن خطبه حرام است، حتی اگر به رفیقت بگوئی ساکت شو، لغو و بیهوده گفته ای.

و نماز جمعه دو رکعت است و مسلمان اقتداء به امام خود با جماعت آنرا انجام می‌دهد.

### نماز جماعت

خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَقِمْوْا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾. (البقرة ۴۳).

[بر پا بدارید نماز را، و بدهید زکات را، و نماز خود را

با نمازگزاران (که محمد و یاران او باشند) انجام دهید].  
در بهترین کارها با مؤمنان باشید، و نماز را با  
نمازگذاران بخوانید.

در ترغیب به نماز جماعت و تشویق در حضور و  
فضیلت آن احادیث بسیاری وارد شده است، همچنین در  
ترك نماز جماعت و کسالت در حضور به آن نیز احادیث  
زیادی آمده است.

و از نیکی های دین اسلامی آن است که در بیشتر  
عبادتها به هماهنگی و همبستگی امرنموده است.

مسلمانان در هر سال یکبار برای حج و دو بار برای  
عید فطر و عید اضحی، و در هفته یکبار برای نماز جمعه،  
و در هر روز پنج بار برای ادای نمازها اجتماع می کنند. و

اين تکرار شبانه روزی مسلمانان را بر انضباط و همبستگی و روابط نیک تربیت میکند.

از مهم ترین وسیله ها برای محبت و ارتباط و شناخت و کمک و یاری و برادری مسلمانان نماز با جماعت است.

نماز جماعت باعث عدالت و برابری و برادری راستی بین مسلمانان است، هنگامی که شخص ثروتمند و فقیر، پادشاه و رعیت، کوچک و بزرگ همه با هم در يك صف و در یکجا می ایستند و سبب الفت و محبت دل ها میشود. و فارق طبقاتی و اختلاف های اجتماعی و تعصب نژادی و جنسیت مکانی و زبانی را از بین میبرد.

نماز با جماعت سبب اصلاح و سازش بین مسلمانان و

تقویت ایمان و تشویق برای اشخاص سست و تنبل از حضور به مساجد است.

همچنین اظهار و آشکار نمودن شعائر خدا و دعوت به سوی او با قول و فعل است.

و این عظیم ترین اعمال و کرداری است که باعث می شود بنده به خدا تقرب جوید، و انگیزه رفع درجات و مضاعفت نیکی ها شود.

### نماز مسافر

خداوند میفرماید: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾. (البقرة ۱۸۵).

[خداوند راحتی شما را می خواهد و زحمت شما را نمی خواهد، تا خدا را بخاطر این که شما را هدایت کرده بزرگ بشمرید، و شاید شکر نعمت های او را بگذارید].

بلی اسلام چنین است، هیچگاه کار دشواری بر عهده کسی نمی گذارد، مگر باندازه استطاعت و توانائی آن، و اوامری که بداند در خور استطاعت آنان نیست واجب نمی کند. از آنجائی که در سفر احتمال مشقت و سختی وجود داشت خداوند به دو چیز اجازه داده است:

۱ - قصر نماز: که بنا بر این آسانی نماز چهار رکعتی به دو رکعت تخفیف می یابد، پس اگر شما در سفر بودی باید نماز ظهر و عصر و عشاء را بجای چهار رکعت دو

رکعت بخوانی، ولی نماز مغرب و صبح به حالت خود باقی می ماند و در آنان قصر و تخفیفی نیست. قصر نماز اجازه و هدیه ای است از طرف خداوند به بندگان متقی و پرهیزگارش، و خداوند دوست دارد که بنده همچنان که فرائض او را انجام می دهد به موارد رخصت و تخفیف او نیز عمل نماید.

و هیچ فرقی در نوع وسیله سفر نیست، چه سفر با ماشین و هواپیما و کشتی و قطار باشد، و یا با اسب و شتر و قاطر و چهار پایان، و یا با پای پیاده باشد، همه اینها اسم سفر بر آن اطلاق می شود و در هر صورت نماز قصر خوانده می شود.

۲ - جمع بین دو نماز: برای مسافر جایز است<sup>(۱)</sup> که بین دو نماز در يك وقت جمع کند، نمازهای ظهر و عصر - را با هم، و نمازهای مغرب و عشاء را با هم جمع می‌کند. یعنی هر دو نماز در يك وقت ادا می‌شود، اما هر نماز جدا از دیگری خوانده می‌شود، اول نماز ظهر و سپس فوراً نماز عصر را می‌خواند. یا اول نماز مغرب و بعد از آن نماز عشاء را ادا می‌کند.

البته باید بخاطر داشت که جمع بین نمازها صرفاً به نماز ظهر با عصر، و نماز مغرب با عشاء اختصاص دارد، بنابراین جمع کردن بین نماز صبح و نماز ظهر، و یا بین نماز

---

(۱) بعضی از علماء و مذاهب اسلامی بنا بر اجتهادات فقهی جمع کردن بین نمازها را در سفر جایز نمی‌دانند. (مترجم).



عصر و نماز مغرب جایز نیست.

### **اذکار و اورادی که بعد از نماز گفته می‌شود**

سنت است که بعد از نماز سه بار استغفر الله بگویند،

و علاوه بر آن می‌گویند: «اللهم أنت السلام ومنك

السلام تبارکت یا ذا الجلال والإکرام، لا إله إلا الله

وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، اللهم لا مانع لما أعطيت، ولا معطي لما منعت، ولا ينفع ذا الجد منك الجد». . آنگاه «۳۳» سبحان الله و «۳۳» الحمد لله و «۳۳» الله أكبر می گوید که مجموعاً «۹۹» بار می شود، و برای تکمیل عدد «۱۰۰» می گوید: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو علي كل شيء قدير». . سپس آیه الکرسی: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا يُغَوِّدُهُ حِفْظُهُمَا ۚ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

﴿البقرة ۲۵۵﴾

و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿۱﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿۲﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ

يُولَدْ ﴿۳﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿۴﴾﴾ (الإخلاص ۱-۴).

و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿۱﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿۲﴾ وَمِنْ شَرِّ

عَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿۳﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿۴﴾ وَمِنْ

شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿۵﴾﴾ (الفلق ۱-۵).

و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿۱﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿۲﴾ إِلَهِ النَّاسِ

﴿۳﴾ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿۴﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي

صُدُورِ النَّاسِ ﴿۵﴾ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿۶﴾﴾ (الناس ۱-۶).

را میخواند. و مستحب است که سه سورۀ گذشته

را بعد از نمازهای صبح و مغرب سه بار تکرار کند. و

همچنین: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير» «۱۰» مرتبه بگوید.

البته تمام این اذکار و اوراد سنت بوده واجب نیست.

### سنتهای راتبه

برای هر مسلمان مستحب است که بر «۱۲» رکعت نماز سنت مواظبت کند بشرطی که مقیم باشد. که عبارتند

از: چهار رکعت قبل از نماز ظهر و دو رکعت بعد از آن،  
و دو رکعت بعد از نماز مغرب، و دو رکعت بعد از نماز  
عشاء، و دو رکعت قبل از نماز صبح. اما در وقت سفر  
پیامبر ﷺ سنتهای ظهر و مغرب و عشاء و ترک می  
کردند، و بر سنت صبح و نماز وتر<sup>(۱)</sup> محافظت می کردند.

(۱) وتر یعنی: فرد و طاق و تنهایی. نماز وتر از سنن مؤکده می باشد، و وقت آن  
بین نماز عشاء و طلوع فجر است، کمترین آن یک رکعت، و میانه آن سه رکعت،  
و بیشترین آن یازده رکعت می باشد، نماز وتر اول دو رکعت، و رکعت آخری تنها  
خوانده می شود، و در باره آن احادیث بسیاری آمده که ما در این جا فقط به دو  
حدیث اشاره می کنیم، پیامبر ﷺ فرمودند: «اجعلوا آخر صلاتکم باللیل  
وتراً»، آخرین نماز شب خود را وتر قرار دهید، متفق علیه. و فرمودند: «أوتروا =  
= قبل أن تصبحوا»، نماز وتر را بخوانید قبل از اینکه شب را صبح کنید، روایت از  
امام مسلم میباشد. به إجماع علماء و دانشمندان نماز وتر هر وقت بعد از نماز عشاء  
تا طلوع فجر خوانده شود جایز است، البته در نزد بعضی علماء نماز وتر واجب  
است، و سه رکعت آن با هم خوانده میشود. (مترجم).

و بر ما است که کردار رسول الله ﷺ را اسوه و قدوه،  
 حسنه، خود بدانیم چنانکه خداوند می فرماید: ﴿لَقَدْ  
 كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾. (الأحزاب ۲۱).  
 [برای شما در (زندگی) رسول خدا (و عملکرد او)  
 سرمشق نیکویی بود].

پیامبر ﷺ فرمود: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أَصْلِي».  
 [بخاری].

نماز بخوانید همانطور که دیدید من نماز خواندم.

# تعليم الصلاة

ترتيب الدكتور: عبدالله بن أحمد بن علي الزيد

ترجمة: إسحاق بن عبدالله دبيري العوضي

باللغة الفارسية

طبع ونشر

وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد

المملكة العربية السعودية

## تعليم الصلاة

ترتيب الدكتور: عبدالله بن أحمد بن علي الزيد

ترجمة: إسحاق بن عبدالله دبيري العوضي





آموزش نماز - تعليم الصلاة

باللغة الفارسية

الناشر

وكالة المطبوعات والبحث العلمي

وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد

١٤٢٥هـ